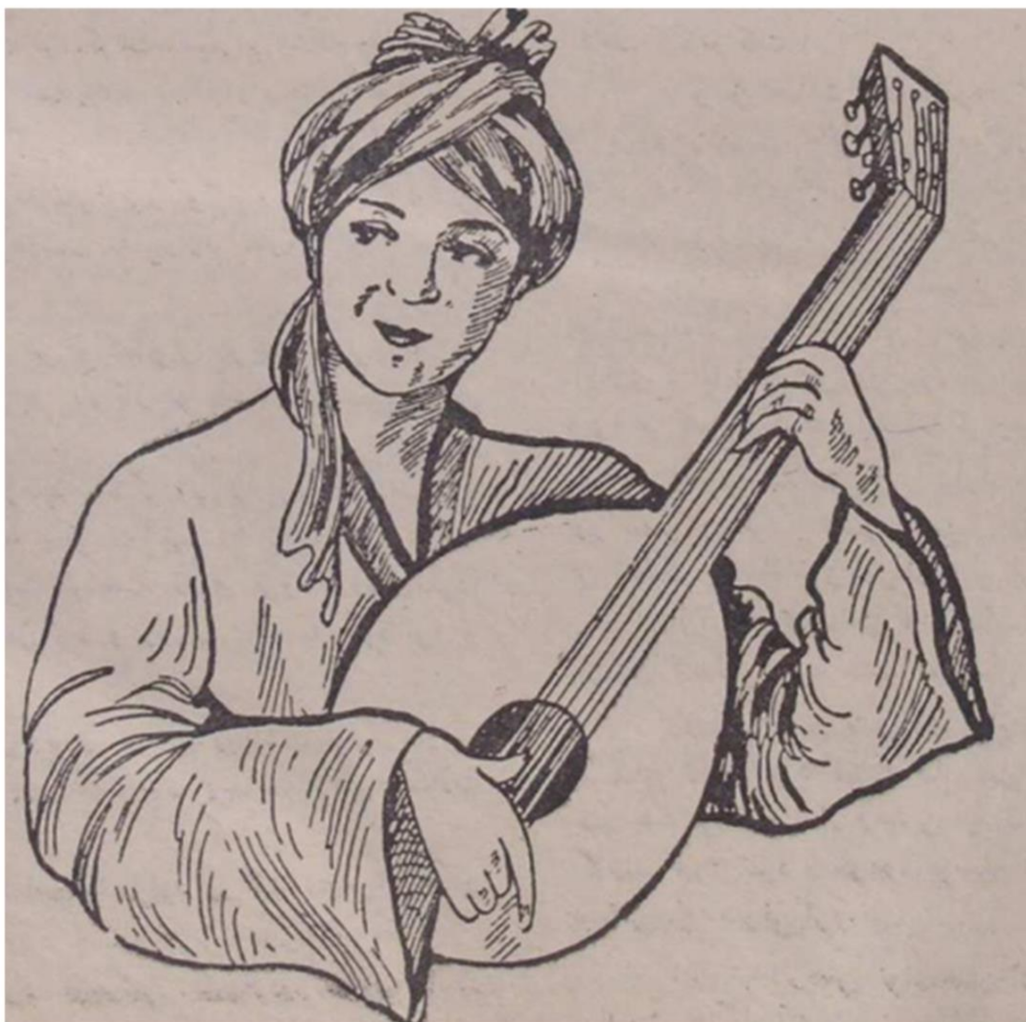
زریاب دارابگردی



جلیل سلمان

دکتر حسن ابراهیم حسن، مورخ مصری، در کتاب معروف تاریخ سیاسی اسلام می نویسد:"حکم به سال ۲۰۶ از پس بیست و هفت سال حکومت بمرد و عبدالرحمن دوم به جایش نشست. وی در طلیطله به سال ۱۷۶ بزاد و پدر در کار تربیت او دقت فراوان کرد، علوم شریعت و فلسفه آموخت و "اوسط" لقب یافت که عبدالرحمن اول بنیانگزار دولت آندلس بود و دوم عبدالرحمن ناصر بود و دوران او میان هر دو بود.

دوران وی به آرامش گذشت، خزانه آباد شد و قصرها و گردشگاهها بساخت و آب از کوهستانها به قرطبه آورد و پُل ها بزد و خیابانهای شهر را منظم کرد و بر وسعت جامع بیفزود و در بیشتر شهرهای آندلس مسجدی بنا کرد که پهلوی آن مدرسه و شفاخانه بود.راههای رومی قدیم را اصلاح کرد و علوم و ادبیات و فلسفه را رواج داد، به دوران وی در اندلس دانشوران معتبر پدید آمدند و اندلس به قدرت و ثروت و بسط علم با دولت عباسیان همانند شد.

دربار عبدالرحمن از همه امویان اندلس ابهت بیشتر داشت.درباریان وی از خصائل ممتاز عربی بهره‌ور بودند و این از برکت زریاب نغمه گرد بود که به سال ۲۰۶ از عراق به اندلس رفت و عبدالرحمن مقدمش را گرامی داشت و نعمت فراوان داد و خانه ای بزرگ بخشید و از خاصان خویش کرد...(ص۲۱۱ به بعد)

امویان اندلس نیز به موسیقی دلبسته بودند و نغمه گران را عطای فراوان می دادند .گویند علون و زرقون نخستین نغمه گرانی بودند که به دوران حکم بن هشام از شرق به آن دیار رفتند و هم در ایام حکم، منصور یهودی در کار نغمه گری مهارتی یافته بود. به دوران عبدالرحمن اوسط، "علی بن نافع" نغمه گر ملقب به "زریاب" به اندلس رفت. لقب زریاب را از آن رو به وی داده بودند که سیاه چرده و شیرین زبان بود و او را به مرغکی سیه فام خوش آواز به همین نام تشبیه کرده بودند.

زریاب وابسته مهدی عباس و نژاد پارسی داشت.شاعری سخندان و ادیبی نکته سنج بود.در نجوم دستی داشت و از اخلاق و طبایع ملل و رسوم شاهان نکته ها می دانست....زریاب نغمه گر که از نفوذ خویش برای رواج هنر استفاده کرد و در کارهای دولت دخالت چندان نداشت.....(ص۳۳۲ به بعد)

زریاب عود را تکمیل کرد، و تار پنجمی به تارهای آن افزود.(مصاحب ص۱۱۷۴)

مصاحب در دائره المعارف خود تعداد فرزندان زریاب را ۱۰ نوشته که جملگی موسیقیدان بودند، و از جمله دخترش، حمدونه ، زوجه ی هشام ابن عبدالعزیز گردید که برادر او با کمک حمدونه آوازهای زریاب را در یک مجلد به نام کتاب معروف در أغانی زریاب گرد آورد.

آقای داریوش صفوت نیز در کتاب هشت گفتار می نویسد:"موسیقی ایرانی را ایرانی ها به اروپا بردند.ایرانی ها به اصطلاح کاتالیزور بودند و باعث می شدند موسیقی از جایی به جای دیگر اشاعه یابد.من جمله زریاب موسیقی دان ایرانی اهل فارس، از شاگردان ممتاز اسحاق موصلی و از برجسته ترین خوانندگان و عودنوازان دوره ی هارون الرشید بود.زریاب موسیقی را از اسحاق موصلی آموخت و از استاد خویش سبق برد."

عبدالرفیع حقیقت در کتاب تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی می نویسد:علی بن نافع زریاب از موسیقی دانان به نام ایرانی در قرن سوم هجری است که شهرت و معروفیت وی در اندلس و مغرب بی نیاز از هرگونه تعریف و توصیف می باشد.

عبدالرحمن بن خلدون در ضمن بیان تأثیر زریاب در موسیقی اندلس و مغرب می نویسد: موصلیان(منظور ابراهیم و پسرش اسحاق می باشند) غلامی داشتند که نام او زریاب (علی بن نافع) بود، او فن موسیقی را از آنان فرا گرفته و در آن مهارت یافته بود،از این رو موصلیان به او رشک می بردند و او را به مغرب گسیل داشتند.(ج۲،ص۷۱۹)

بهروز وجدانی، صاحب فرهنگ جامع موسیقی ایرانی نیز آورده است: ابوالحسن علی بن نافع متوفی ۲۴۶ هجری قمری موسیقیدان ایرانی اهل فارس و از شاگردان ممتاز اسحاق موصلی و یکی از برجسته ترین خوانندگان و موسقیدانان و نوازندگان عود دوره هارون الرشید بود.به ابتکار او تار پنجمی به تارهای چهارگانه عود(بم-مثلث-مثنی-زیر) افزوده شد که بر آن نام "حاد" نهاد.زریاب برای عود مضرابی از ناخن عقاب ساخت و آن را به جای مضراب چوبی سابق، رواج داد و نیز سیم پنجمی بر عود افزود...(ج۲،ص۵۲۸)

المقری در نفح الطیب جزء الاول صفحه۳۲۲ آورده است: قدوم زریاب المغنی علیه-و قدم علیه سنه ست و مائتین زریاب المغنی من العراق، و هو مولی المهدی و متعلم ابراهیم موصلی و اسمه علی بن نافع و در جای دیگری در همین کتاب و در صفحه ۲۷ بخش الباب الخامس:فی ذکر من رحل من الاندلیسین للمشرق می نویسد: و کان الغزال أقذع فی هجاء علی بن نافع المعروف بزریاب، فذکر ذلک لعبد الرحمن، فأمر بنفیه، فدخل العراق و نکته مهم اینجاست که یعنی پس زریاب به عراق وارد شد...

به نقل از کتاب نورالقبس المختصر من المقتبس تالیف ابی عبیدالله محمد بن عمران المرزبانی، اسحاق موصلی از اهالی ارجان(ارگان)در فارس بوده است(صفحه۳۱۷)

صفوت در هشت گفتارش ادامه می دهد: اسحاق موصلی استادِ زریاب، فرزند ابراهیم موصلی است.پدر ابراهیم موصلی، ماهان از ارگان فارس بود، که از ستم حکام اموی به کوفه مهاجرت کرد.ابراهیم در عراق به دنیا آمده و به ایران باز می گردد...ابراهیم در ایران و نزد جوانویه، موسیقیدان بزرگ زرتشتی به فراگرفتن موسیقی پرداخت.و چون در این هنر شهرت یافت آوازه ی او سبب شد تا خلیفه او را به بغداد فراخواند.پدرش که شغل دبیری داشت اصرار می ورزید که پسر هم شغل پدر را پیش گیرد اما ابراهیم نپذیرفت و به عشق ادامه ی موسیقی به موصل گریخت و به این سبب معروف شد به ابراهیم موصلی.به این ترتیب موسیقی اصیل ساسانی توسط جوانویه به ابراهیم موصلی(ارگانی)انتقال یافت و به وسیله ی او به بغداد رفت و پایه و سرمایه موسیقی عرب قرار گرفت.

در دیوان زنده یاد دهخدا و ذیل شعر در چنگ دزدان بیتی بدین مضمون آمده :"قول ابراهیم و بوالعبکی غزل-لحن اسحاقی و زریابی جزل" و در پایین همین صفحه به ایرانی بودن زریابِ موسیقی دان اشاره شده است. وی همچنین در مورد اسحاق موصلی نوشته است:" ابواسحاق ابراهیم ماهان(میمون)بن بهمن ابن بسک ارجانی مشهور به ندیم موصلی(۱۸۸-۱۲۵-هجری)موسیقی دان عهد مهدی و هادی و هارون عباسی"... (دیوان دهخدا-به کوشش سیدمحمددبیر سیاقی-در چنگ دزدان-...صفحه۲۴)

مصادره:

رقابت بر سر مصادره نام زریاب عاملی جهت جمع آوری بخشی از منابع مرتبط با ایرانی بودن زریاب شد.کاری که تاکنون انجام نشده بود و مرا بر آن داشت تا در تابستان سال ۱۴۰۲ با تحقیق پیرامون شخصیت برجسته وی قطره ای از دریای منابع غربی و عربی و البته فارسی را در مجموعه ی کوچکی تحت عنوان زریاب دارابگردی جمع آوری نمایم.

حذف هدفمند ایرانی بودن زریاب از کتاب های عربی آن چنان شفاف است که نمی توان آن را نادیده گرفت و می طلبید تا با تکیه بر کتب برجسته ترین چهره های اروپایی و عربی گامی کوچک در این زمینه برداشته شود.

معرفی نمودن مغرضانه زریاب به عنوان یک خواننده و موسیقیدان عرب توسط نویسندگان عرب در کتابها بسیار آزاردهنده بود و متاسفانه در این خصوص شاید کم کاری پژوهشگران ایرانی مهمترین عامل فراموش شدن نام زریاب ایرانی بوده است.

هر چند که در برخی کتب به ایرانی بودن زریاب اشاراتی رفته است اما ناچیز بودن رساله های ایرانی در دفاع از وی این فضا را برای نویسندگان عرب فراهم نموده تا زریاب را مصادره نمایند.

خوشبختانه کتب جدید منتشر شده در حوزه موسیقی توسط نویسندگان غربی نشان می دهد که زریاب ایرانی توانسته است در کتاب های آنان جای خود را به خوبی باز نماید و تا حدی خلاء کم کاری ما ایرانیان را در دفاع از حریم فرهنگ و هنر اصیل مان پر نماید.

از حدود دو قرن پیش نویسندگان اروپایی و سپس عرب به نام زریاب و خدمات وی در موسیقی اسپانیا اشاره نموده اند یعنی از اوائل سال ۱۸۱۴ میلادی به طور جدی نام زریاب به شکل های zaryab, ziryab, zeryab در کتابها قابل مشاهده است.

در بهمن ماه سال ۱۳۲۹ استاد دکتر سید محمدصادق نشأت از ادیبان برجسته ی ایرانی که هم در بغداد و هم در قاهره کرسی زبان فارسی داشته است و سال ها در نشر زبان فارسی کوشیده، طی نوشته ای ارزشمند در مجله اطلاعات ماهانه، زریاب را موسیقیدان بزرگ دارابگردی معرفی نمود و به شرح زندگی وی پرداخت.

(اطلاعات ماهانه،سال سوم،شماره۱۱(۳۵)،بهمن ماه ۱۳۲۹،صفحات ۳۳ تا۳۵)

اطلاعات ماهانه
شماره ۱۱ (۳۵) بهمن‌ماه ۱۳۲۹ سال سوم
صاحب امتیاز و مدیر مسئول : ع . مسعودی

«زریاب» موسیقیدان و آهنگ‌ساز دارابگردی

... از بزرگترین مفاخر ایران است که فروغ تمدن شرق را بغرب رسانید و با ابتکارات هنری خویش تحولی در موسیقی اسپانیولی پدیدآورد ...

از آقای صادق نشأت

در عصر هارون‌الرشید جوانی بمجالس شعر و ادب و باشگاههای عیش و طرب بغداد آمدشد می‌نمود که‌بزودی شخصیت او از چند جهت مورد توجه ارباب ذوق و هنر و کامروائی گردید .

این جوان قدری بلند بالا و کمی نازك اندام بود، با دوچشم فتان‌شهلایش دلهارا مسخر میکرد،آهنك‌صدای‌او(که بقول مورخان‌قدری‌توی دماغی بود) چنان‌جاذبه‌ای داشت که همه‌برای‌شنیدن نغمه‌های او سراپاگوش میشدند ، و با اینکه هنگام حرف زدن « لحن میکرد » یعنی کلمات عربی‌رابلهجهٔ فارسی تلفظ مینمود ، باز بزبان فصیح‌عرب شعرمی گفت وچیز می نوشت ؛ وی نوادر حکایات و لطایف امثال را با اسلوب فکاهی شیوائی کـه آمیخته بمتلك وشوخی بود، تعریف میکرد.

وی‌دلهارا میربود و همینکه بیك فارسی زبانی برمیخورد روح ملی‌او تحریك میشد و با وی بزبان اجدادی بطور سلیس و روانی سخن میگفت ؛ از همه مزایای او جذابتراین بود:وقتی‌بارامشگران می‌نشست‌کاری می کرد که‌همه دربرابراو خود را کوچك و ناچیز میدیدند،زیرامیتوانست نغمه ها وآهنگ های ایشان را بهتر از خود آنها بخـواند وآلات ساز و آواز شان را نیکو تر ازخودشان بنوازد.

یک چیز دیگری که در این جوان جلب نظر مینمود طرز لباس و ترتیب موی سر او بود که بخودش اختصاص داشت وابتکاراتی‌ازین حیث‌نشان‌میداد که او را برهمه جوانان خوش‌لباس آنزمان ممتاز میساخت .

از همه عجیب تر اول حنجره معجزآسای او که گوئی مخصوصا برای غنا و آواز ساخته‌شده، دوم انگشتان نرم او بود که بیننده‌میپنداشت اساساً برای‌نواختن‌عوددرست‌شده‌است.

ازاینجهت همشهریانش از همان اوقات که‌در«داراب ـ گرد » فارس‌بود اورا‌باسم پرندهٔ سیاه‌رنك خوش آوازی که «زریاب» نام داشت‌خواندند و اورا «زریاب » نامیدند .



بااینکه اسم‌اصلی او ابوالحسن « علی‌بن نافع» بود معهذا مردم اسمش را فراموش کردند و همه او را « زریاب » گفتند و امروز تاریخ هنر نیز اورا‌بهمان‌نام‌میشناسد.

☆☆☆

خلیفه هارون‌الرشید که باحسن‌کفایت وزیر با تدبیر خودیحیی برمکی‌و دوپسردانشمندوسیاستمدار او فضل وجعفر از حیث وسعت ملك وجاه وجلال وجمال‌وخوشی‌و کامگاری سرآمد خلفاو سلاطین اسلام‌شمرده میشود دربار با شکوهی داشت کـه سازمان آن از هر جهت بدربار خسروپرویز،عیاش ترین‌پادشاه ساسانی،شبیه

-۳۳-

انتشار این مطلب مورد توجه آقایان دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی قرار گرفت و به عنوان یکی از منابع کلمه "زریاب" به لغتنامه دهخدا وارد شد.(لغتنامه دهخدا-جلد نهم- زراد/شمس/تا آذرماه۱۳۴۵-معین و شهیدی-صفحات۱۲۸۵۰ و ۱۲۸۵۱)

۱۲۸۵۰ زره‌شوران. زریاب. زریان. زریر. ۱۲۸۵۱

مطلب آقای دکتر سید محمدصادق نشأت یک بار دیگر در سال ۱۳۳۵ به ماهنامه موزیک ایران راه یافت و در شماره ۱۱ فروردین ماه همان سال تحت عنوان زریاب موسیقیدان بزرگ دارابگردی در صفحات ۷و۸و۳۳ آن مجله منتشر شد.

لازم به توضیح است که شهر باستانی و مدور دارابگرد مرکز ولایت دارابگرد، سومین ولایت بزرگ پارس در دوره ساسانیان بوده و جزو پنج خوره بزرگ فارس است که در شش کیلومتری شهر فعلی داراب در جنوب شرق استان فارس قرار دارد.شهری که بنایش را به داریوش اول هخامنشی منتسب می نمایند و نام آن در شاهنامه فردوسی نیز آمده و مطابق نوشته طبری اردشیر بابکان در هفت سالگی به این شهر آمد و مطابق کتاب فارسنامه ناصری اردشیر پایه گذاری امپراتوری ساسانیان را از این شهر آغاز کرد.

سید محمد توفیق همدانی نیز در دهه چهل و در شماره های سه، شش و هشت مجله ایرانشهر طی مقالاتی با نام "زریاب پارسی موسیقی شناس ایرانی" او را مجدداً معرفی نمود.

فیروز حریرچی، دکتر سید احمدرضا خضری، دکتر مهدی فروغ ، دکتر محمد معین و وی از تقریرات شفاهی دهخدا و دیگرانی چند در این زمینه کوشیده و مطالبی منتشر نموده اند که البته تعداد مقالات قطعاً بیش از این چند مطلب است و امیدوارم روزی شاهد انتشار مطالبی بیشتر پیرامون پرنده سیاه در ایران باشیم.

معرفی:

ابو الحسن علی بن نافع ملقب به زریاب و پرنده سیاه خواننده و موسیقیدان معروف ایرانی است که او را بنیان گزار موسیقی در اسپانیا می دانند.وی موسیقی اسپانیای قرن سوم هجری را جلا داد و در اندلس تغییرات وسیع اجتماعی و هنری ایجاد کرد.با فتح اندلس(اسپانیا) توسط مسلمانان در سال ۹۲ هجری قمری تغییرات گسترده ای در موسیقی آن سرزمین توسط وی ایجاد شد.

آورده اند از جمله نوابغ آن دوران زریاب ایرانی بود که به اندلس وارد شد.او شاگرد ابو اسحق موصلی، موسیقیدان معروف بود که به دربار هارون الرشید وارد شد و به علت حسادت اسحاق مجبور به ترک بغداد و سپس هجرت به سمت تونس و نهایتا اندلس و قرطبه شد.باید بدانیم که خانواده ابراهیم موصلی ایرانی الاصل بودند.

به نظر می رسد که زریاب ابتدا در خدمت ابراهیم موصلی و سپس به خدمت اسحاق موصلی درآمده و با وی از سرزمین پارس به بغداد رفته است.ابن خلدون گفته است که موصلیان غلامی به نام زریاب داشتند که موسیقی را از آنان فرا گرفت و در آن مهارت یافت.همانگونه که عبدالرفیع حقیقت نوشته است منظور از موصلیان، ابراهیم و اسحاق موصلی هستند...

«زریاب» موسیقیدان و آهنگساز دارابگردی

"ابوالحسن علی بن نافع" معروف به "زریاب" موسیقیدان ایرانی الاصل و اهل فارس می باشد که استاد محمد صادق نشأت از برجسته ترین چهره های ادبی ایران در خصوص وی در سال ۱۳۲۹ در اطلاعات ماهانه و در سال ۱۳۳۵ در ماهنامه موزیک ایران مطلبی پیرامون وی منتشر نموده که اهمیت فراوانی دارد. استاد نشأت که در کشورهای عراق و مصر به تدریس زبان فارسی پرداخته و دارای ترجمه های فراوانی من جمله؛ اخبار الطوال، تاریخ طبری و همچنین ترجمه قابوس نامه و جامع التواریخ، تاریخ بیهقی و صدها مقاله ارزشمند دیگر در مجلات عربی و فارسی می باشد در مقاله خود می نویسد:

زریاب موسیقیدان و آهنگساز دارابگردی از بزرگترین مفاخر ایران است که فروغ تمدن شرق را به غرب رسانید و با ابتکارات هنری خویش تحولی در موسیقی اسپانیولی پدید آورد.در عصر هارون الرشید جوانی به مجالس شعر و ادب و باشگاههای عیش و طرب آمد و شد می نمود که بزودی شخصیت او از چند جهت مورد توجه ارباب ذوق و هنر و کامروایی گردید. این جوان قدری بلند بالا و کمی نازک اندام بود با دو چشم فتان شهلایش دلها را مسخر میکرد ، آهنگ صدای او که بقول مورخان قدری توی دماغی بود چنان جاذبه ای داشت که همه برای شنیدن نغمه های او سرا پا گوش می شدند و با اینکه هنگام حرف زدن (لحن می کرد) یعنی کلمات عربی را به لهجه فارسی تلفظ می نمود باز به زبان فصیح عرب شعر می گفت و چیز می نوشت. وی نوا در حکایات و لطایف امثال را با اسلوب فکاهی شیوایی که آمیخته بمتلک و شوخی بود، تعریف می کرد. وی دلها را می ربود و همین که به یک فارسی زبانی بر می خورد روح ملی او تحریک می شد و با وی به زبان اجدادی به طور سلیس و روانی سخن می گفت. از همه مزایای او جذابتر این بود وقتی با رامشگران می نشست کاری می کرد که همه در برابر او خود را کوچک و ناچیز می دیدند زیرا می توانست نغمه ها و آهنگ های ایشان را بهتر از خود آن ها بخواند و آلات ساز و آوازشان را نیکوتر از خودشان بنوازد.یک چیز دیگری که

در این جوان جلب توجه می نمود طرز لباس و ترکیب موی سر او بود که به خودش اختصاص داشت و ابتکاراتی از این حیث نشان می داد که او را بر همه جوانان خوش لباس آن زمان ممتاز می ساخت.از همه عجیب تر اول حنجره معجزه آسای او که گوئی مخصوصاً برای غنا و آواز ساخته شده، دوم انگشتان نرم او بود که بیننده می پنداشت اساساً برای نواختن عود درست شده است.از این جهت همشهریانش از همان اوقات که در «داراب گرد» فارس بود او را به اسم پرنده سیاه رنگ خوش آوازی که «زریاب» نام داشت خواندند و او را «زریاب» نامیدند.با این که اسم اصلی او ابوالحسن«علی بن نافع» بود معهذا مردم اسمش را فراموش کردند و همه او را «زریاب» گفتند و امروز تاریخ هنر نیز او را به همان نام می شناسد.خلیفه هارون الرشید که با حسن کفایت وزیر با تدبیر خود یحیی برمکی و دو پسر دانشمند و سیاستمدار او فضل و جعفر از حیث وسعت ملک و جاه و جلال و جمال و خوشی و کامکاری سرآمد خلفا و سلاطین اسلام شمرده می شود دربار باشکوهی داشت که سازمان آن از هر جهت به دربار خسرو پرویز پادشاه ساسانی شبیه بود و همان داستان های هزار و یکشب ساسانی را که به زبان پهلوی تصنیف شده بود چون نویسندگان ایرانی دیدند کاملاً مطابق عصر هارون الرشید شده است بقالب عربی ریختند تا بساط عیش و عشرت آن خلیفه را هم چنانکه هست جلوه دهند و درجه نفوذ عادات و آداب ایرانی را در فرهنگ اجتماعی عرب مجسم سازند. هارون الرشید اخلاق متناقضی داشت پیاده به حج میرفت و ضریح حضرت رسول اکرم (ص) را در بغل میگرفت و از ظلمهایی که بفرزندانش نموده است پوزش میخواست ولی پسر کوچک معصوم آن حضرت موسی بن جعفر(ع) را به بصره و بغداد تبعید می کرد و او را پس از ۱۴ سال حبس تاریک در زندان می کشت، از شنیدن پند و اندرز ابومعاویه ضریر می گریست ولی شب خود را با برادر رامشگر خویش ابراهیم و عموی خود سلیمان و وزیر خود جعفر و خواهر خود عباسه و صدها پری روی ناکام به عیش و عشرت به سر می برد.شب دیگر همه را ترک می گفت و به درگاه خدا روی نیاز می سائید و هفتاد رکعت نماز می گذاشت و ده جزو از قرآن کریم را تلاوت می نمود.برای افتادن یک دهکده اسلام به دست روم حکم جهاد می داد ولی به یکی از ندیمان خود می گفت:اگر کسی لذائذ عهد جوانی را برای من تجدید نماید یک بخش از ملک خود را بوی پاداش می دهم ! اسحق بن ابراهیم موصلی که بزرگترین موسیقی دان زمان و مطرب رسمی خلیفه بود با جوان دارابی ما «زریاب» آشنا شد و او را به آموختن فن موسیقی و غنا تشویق کرد.زریاب چون شوق و استعداد این کار را به حد کمال داشت شروع بکار نمود و آنچه استاد میدانست فرا گرفت. سپس بی اینکه چیزی بوی گوید بطور محرمانه چندین نغمه جدید در آواز و چند آهنگ تازه در ساز از خود ابتکار کرد. یکشب اسحق نزد خلیفه بسر برد و آنچه را که از دقایق سازندگی و فنون نوازندگی میدانست نشان داد هارون او را تحسین و تمجید فراوان کرد و گفت: اسحق جاداشت همت کنی و کسانی را تربیت نمایی که این هنرهای زیبا را بیاموزند و یادگار تو باشند. » اسحق فوری زریاب را به خاطر آورد و گفت: به یمن الطاف امیر المومنین شاگردانی را پرورش داده ام و چنانچه اجازه فرمائید شب بعد یکی از آنها را بحضور بیاورم. هارون سر خود را بعلامت موافقت قدری فرود آورد و فردا شب هم اسحق بگفته خود عمل کرد و زریاب را با خود برد و به پیشگاه خلیفه معرفی نمود. قیافه زریاب با آن لباس زیبایی که در برداشت نظر هارون را جلب نمود از سوابق او پرسید و سپس گفت میتوانی از

آنچه استادت بتو یاد داده چیزی نشان دهی؟زریاب :گفت: آنچه را استادم بنوازد ببرکت انفاس او خوب آموخته ام.هارون که گمان می کرد هیچکس مهارت اسحق را در موسیقی و آواز ندارد ، ادعای زریاب را از غرور جوانی پنداشت و برای اینکه او را بیازماید و بعد وی را سرزنش و برای پاسخ مغرورانه اش گوشمالی بدهد گفت:بیاور آنچه می دانی ...

زریاب عود خود را که ترکیب مخصوصی داشت فوراً کوک کرد و چنان روح و الهامی با آن آلت بی جان و بی زبان خشک بخشید که بصدا در آمد و با آهنگ دل آویز خود مضمون این بیت را از راه گوش به قلب خلیفه وارد ساخت و نه تنها قلب بلکه روح او را تصرف کرد.مضمون بیت این بود:

ای پادشه خجسته طائر هارون که روی خلق با توست

یا ایها الملک المیمون طایره هرون، راح الیک الناس وابتکروا

همچنین ساز و آواز را ادامه داد تا به حدی که صدای خلیفه به تحسین و تمجید وی بلند شد.

زریاب عود را زمین گذاشت و گفت: اینها که به سمع شما رسید تازگی نداشت .اگر اجازه دهند چیزی از آنچه تاکنون نشنیده اید بخوانم و بنوازم.هارون گفت: شما مردم پارس سرچشمه هنر هستید و آنچه از اندیشه آن دیگران عاجز هستند شما عمل می کنید و بوجود می آورید.زریاب قدری پیچ و تاب سیمهای خود را پس و پیش کرده نغمه هایی از آن سرداد که هرگز بخیال خلیفه نمی رسید با اینکه خود از یکه تازان صحنه موسیقی زمان خویش بود. باری بزم بپایان رسید یعنی خلیفه بعادت معهود خود دستمال حریری که در دست داشت وسط مجلس انداخت و حضار فهمیدند که باید مرخص شوند.اسحق شاگرد خود زریاب را بگوشه ای برد و او را بسختی ملامت کرد و گفت:تو بمن خیانت کردی و خود را با اینهمه استادی شاگرد قلم دادی و آبروی مرا بردی حال یکی از دو کار را باید اختیار کنی یا از بغداد بجایی بروی که هیچکس اسم تو را نشنود و جای تو را نداند و من حاضرم که آنچه بخواهی و لازم داشته باشی از پول و وسائل مسافرت به تو بدهم یا اگر این کار را نمیکنی و میخواهی در بغداد بمانی و در دربار خلیفه حریف و رقیب من باشی باید خود را برای مواجهه با آلام و آزاری که با تدبیر من درباره ات بعمل خواهد آمد، آماده سازی، زیرا من نخواهم گذاشت که آب گوارا در بغداد از گلویت پائین رود.زریاب سلامت را در برکناری دید و از همان لحظه تصمیم گرفت رو به مصر و مغرب اقصی و سپس به کشور آندلس و نزد عبدالرحمن بن الحکم پادشاه اموی آن سرزمین برود.از آن روز تا ساعتی که زریاب به حضور عبدالرحمن در «قرطبه» پایتخت آندلس، رسید هشت ماه طول کشید.زریاب در این مدت راه می پیمود ، شمال افریقا را طی کرد و از همان نقطه ای که هشتاد سال قبل طارق بن زیاد به فرمان موسی بن نصیر همدانی فرماندار ولیدبن عبدالملک در آفریقا برای تسخیر آندلس گذشت، عبور نمود و خود را به وسیله نامه ای به فرمانروای آن دیار عبدالرحمن معرفی کرد.این عبدالرحمن نواده همان «عبدالرحمن داخل» بود که شصت سال پیش هنگامی که بنی امیه منقرض می شدند توانست از قتل عام بنی عباس نجات بیابد و خود را به این دیار برساند و حکومت مستقلی به نام سلسله و پادشاهان بنی امیه در آندلس تشکیل بدهد.اینجا قرطبه پایتخت آندلس است. این شهر زیبا و خوش آب و هوا که روح عربی اسلامی را با هوش و ظرافت طبع اروپایی

در هم آمیخته است یک مدنیت با شکوهی که با بغداد دعوی همسری و بلکه برتری مینماید بر پا ساخته و پایه های اصلی تمدن امروزه غرب را با هنرهای گوناگون خود طرح ریزی نموده است. این جا پناه ستمدیدگان و کسانی است که بنی عباس آنها را آزرده اند و ناراضی نموده اند.همه چیز در این سرزمین فراهم شده بود و آنچه دربار عباسی در بغداد داشت قرطبه هم میتوانست نظیرآن یا بهتر از آن را داشته باشد.فقط بوجود کسی چون زریاب که یک مکتب موسیقی خاصی برای آن تشکیل دهد نیازمند بود.زریاب با طلعت زیبا خلعت دیبا و طبع مبادی آدابی که مخصوص او بود چنان محبوبیت و منزلتی در نزد عبدالرحمن پیدا کرد که خلیفه بقدر ساعتی نمی توانست بی زریاب بماند و با وجود اینکه در دستگاه دولت او یک سیاستمدار کار دیده ای مثل «حشام بن عبدالعزیز» وجود داشت معهذا در تمام امو با زریاب شور می کرد.زریاب فرصت یافت که قصری دلربا مطابق سلیقه زیباپسند خود نزدیک قصر عبدالرحمن احداث نماید و به دستور ملک دری مخصوص از آن قصر یه کاخ سلطنتی باز نماید.چون زریاب اندلس را قرارگاه واقعی خود یافت با فراغت خاطر به تألیف و تدوین یادداشت های مشروحی به نام « الانعام» در فن موسیقی و آواز پرداخت و قریحه او به کار افتاد و چیزی نگذشت که با ابتکارات خود عودی درست کرد که یک سیم از عود حکیم فارابی ، هنرمند و آهنگ ساز شهیر ایرانی ، زیادتر داشت و با آن یک سیم چندین پرده دیگر را می نواخت .همچنین توانست بدنه این عود را خیلی کوچکتر از اندازه معمول آن بسازد تا حمل و نقلش آسان باشد. مضراب عود را تا آن تاریخ از چوب می ساختند که در استعمال می شکست و تارهای عود را خیلی زود می گسلانید ، زریاب آن را از پای کرکس ترتیب داد که هم بهتر در اختیار نوازنده باشد و هم بیشتر دوام نماید و سبک و بی تکلف باشد.زریاب از جنبه فن و هنر گذشته یک تحول دیگری درآندلس بوجود آورد باین معنی که در خوراک و پوشاک و آداب معاشرت و گفتگو و تعارفات رسمی و خصوصی روشی مخصوص خود داشت که بزودی مورد توجه و تقلید و پیروی طبقه اول و دوم، مردم خاصه جوانان آن سرزمین گردید.تا آن وقت طبقه ممتاز مردم خیال میکردند لازمه تشخص در استعمال ظروف طلا و نقره است زریاب استعمال آنها را ظروف بلور و چینی تبدیل کرد موی سر را طوری نگاه میداشتند که بر پیشانی و دوشها بیفتد، زریاب آنرا بقدری کوتاه کرد که از پشت سر از نرمه گوش تجاوز نکند و از سمت پیشانی اصلا فرود نیاید.همچنین انواع خوراک های ایرانی را که حتی نام آنها را هم در اندلس نشنیده بودند در ضیافتهای با شکوهی که در قصر خود برای اعلیحضرت ملک و ارکان دولت و در شأن دور و نزدیک خود بر پا می کرد متداول نمود و با چشا نیدن طعم لذیذ آنها را مطلوب خاص و عام ساخت و همه را به اسامی قدیم آنها(کبابه، لوزینج، فالودج و امثال آن) رواج داد. همینطور هم در لباس سلیقه های مخصوص خود را به همه تعلیم کرد و مردم فهمیدند که رنگ لباس و نوع قماش آن باید تابع فصول مختلف سال باشد و باید در بهار پارچه های باز و شفاف و در تابستان سفید و در پاییز قماش کم رنگ و در زمستان پارچه های پشمی تیره رنگ بپوشند.دخترهای زریاب «حمدونه» و «علیه» و زرخرید زیبا و ادیب او «مصابیح» برای جنس لطیف و بانوهای مشخص و ممتاز آندلس سرمشق شدند و چه لباس و چه شیوه استعمال آن را از ایشان آموختند و آداب و تشریفات مجلس آنها را در محافل خود معمول داشتند. نیز این دو دختر و این کنیز مانند خود زریاب بهنرپیشگی اختصاص یافتند و شهره آفاق شدند. هشام بن عبدالعزیز

وزیر عبدالرحمن با «علیه» ازدواج نمود و «حمدونه» را هم یکی از شاهزادگان به همسری خود برگزید.اگرچه سرگذشت این هنرپیشه بزرگ که از بزرگترین مفاخر ملی است با این اختصار پایان نمی یابد ولی برای اینکه به ملال نکشد سخن را همینجا کوتاه کرده می گوییم:

زریاب را نباید فقط یک هنر پیشه یا ادیب بزرگ بدانیم بلکه باید مردم دنیا بویژه هموطنانش او را یکی از رادمردان و نوابغ کم نظیری بشمارند که به رهبری علم سرشار و هوش فطری و الهام روحی خود توانست به جامعه بیگانه ای را که هزاران فرسنگ دور از میهن او زیست می کنند بهتر تربیت کند و برای آنها هنری که آثار آن تا امروز از هنرهای زیبا و موسیقی روح نواز اسپانیولی ظاهر می گردد درست کند و بالاجمال وسیله نقل و انتقال مدیت شرق به غرب بشود.

(باید خاطر نشان ساخت کتاب معروف زریاب، "فی أغانی" می باشد که در بیشتر کتاب ها بدان اشاره شده اما تاکنون نسخه ای از آن منتشر نشده و برای نخستین بار نام کتاب "الانعام" زریاب در مقاله استاد محمد صادق نشأت آمده است).

<u>**بخشی از منابع و مراجع فارسی در ایرانی بودن زریاب:**</u>

-اطلاعات ماهانه-سال سوم-بهمن ماه ۱۳۲۹-شماره ۱۱(۳۵)-زریاب موسقیدان و آهنگ ساز دارابگردی-نوشته زنده یاد استاد محمد صادق نشأت-صفحات ۳۳ تا ۳۵ -(نکته مهم: یکی از منابع اصلی ایرانی بودن زریاب در لغتنامه دهخدا همین مقاله می باشد که توسط دکتر محمد معین وارد لغتنامه دهخدا شده و صرفاً به شماره مجله اشاره شده است!!-لغتنامه دهخدا جلد نهم(زراد-شمس) صفحات ۱۲۸۵۰ و ۱۲۸۵۱ را ملاحظه فرمایید)

-ماهنامه موزیک ایران-سال ۴-شماره ۱۱-فروردین ماه سال ۱۳۳۵-سید محمد صادق نشأت-زریاب موسیقیدان بزرگ دارابگردی-صفحات ۷و۸و۹و۳۳

-اندیشه های علمی فارابی/سخنرانی های مهدی برکشلی۶-انتقال موسیقی ایران به اسپانیا-زریاب ایرانی-صفحه ۲۳

-موسیقی در ادبیات-طغرل طهماسب/۱۳۸۰-زریاب -موسیقیدان ایرانی اهل فارس-صفحه ۹۴۱

-اثر آفرینان-دکتر محمدرضا نصیری-جلد سوم-زریاب موسیقیدان بنام ایرانی-صفحه ۱۵۸

-فرهنگ جامع موسیقی ایرانی-بهروز-۱۳۸۶-جلد اول-زریاب ایرانی بوده-صفحه ۵۲۸

-دائره المعارف فارسی-مصاحب-۱۳۸۱-جلد اول-زریاب ایرانی-صفحه ۱۱۷۴

-هشت گفتار درباره موسیقی-اشاعه موسیقی ایرانی-زریاب ایرانی

-تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی-عبدالرفیع حقیقت-زریاب از موسیقیدانان بنام ایرانی در قرن سوم هجری-صفحه ۷۱۹

-ترجمه تاریخ سیاسی اسلام-دکتر حسن ابراهیم حسن-زریاب نژاد پارسی داشت-صفحه ۳۳۲

-دولت امویان در اندلس-عبدالمجید نعنعی/مترجم محمد سپهری-چاپ سوم-قم-۱۳۸۰-زریاب آهنگساز ایرانی-صفحه۲۲۴

-روح نغمات-موسیقی استاد الهی-ژان دورینگ-سودابه فضایلی-۲۰۱۸-زریاب ایرانی

-پژوهش در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا:سومین همایش انجمن رودکی-المان دانشگاه هامبورگ(۱۱ تا ۱۶ مهرماه ۱۳۷۷)-۳ تا ۸ اکتبر ۱۹۹۸-جلد سوم-زریاب نوازنده و موسیقیدان ایرانی صفحات ۷۰۸-۷۳۷-۷۴۴

-فرهنگ سازها-حسینعلی ملاح-کتابسرا-۱۹۹۷-زریاب فارسی-صفحه ۵۰۹

-واژه نامه موسیقی ایران-مهدی ستایشگر-جلد دوم-زریاب کبیر فارسی-صفحه ۱۸۹

-دانشنامه جهان اسلام-جلد اول-ذیل حکم بن هشام-زریاب ایرانی-صفحه ۶۳۷۹

-دانشنامه بزرگ اسلامی-جلد ۱۴-ذیل پوشاک-زریاب ایرانی-صقحه ۵۵۷۲

-تاریخ اسلام-دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم-جلد ۹-زریاب ایرانی-صفحه ۴

-مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی- VOL:30-31-1992-در احوال زریاب فارسی-صفحه:۲۱۰

-اردو دائره المعارف اسلامیه زیر اهتمام دانش گاه پنجاب- لاهور-جلد ۱۰-سرهند شریف-زریاب فارسی الاصل-طبع اول ۱۹۷۳-صفحه۵۰۶

-چکیده مقالات اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق-نشر مجمع ذخائر اسلامی-اسفندماه ۱۳۹۳-مارس ۲۰۱۵ میلادی-...زریاب و .... سیستم اموزش موسیقی در دنیا توسط یک عراقی ایرانی الاصل و .... نا مقامات، صفحه۳۶۴

-پویشگران-سال ۱۹۹۰-شماره های ۲تا۶-زریاب ایرانی از جمله این نامداران است.زریاب نوازنده عود، از شاگردان اسحق موصلی است...-صفحه۶۱

-نفوذ موسیقی خاورمیانه در موسیقی اروپا-دکتر مهدی فروغ-یکی از مشاهیر علما و هنرمندان ایرانی موسوم به ابوالحسن علی بن نافع و معروف به زریاب مدرسه ای برای تحصیل و تحقیق در موسیقی در شهر قرطبه دایر کرده بود......صفحه ۸۸

<u>**بخشی از منابع و مراجع عربی که به نام زریاب ایرانی اشاره نموده اند:**</u>

-تاریخ الاسلام-جزء الثانی-دکتر حسن ابراهیم حسن-کان زریاب مولی خلیفه المهدی العباسی فارسی الاصل-صفحه: ۳۳۹

-جارمیات-علی الجارم-دارالشروق، قاهره-زریاب فارسی-صفحه:۴۰۱

-تاریخ الاسلامی العام(الجاهلیه-الدوله العربیه-الدوله العباسیه)-علی ابراهیم حسن/القاهره-کان زریاب، والد حمدونه و علیه، مولی الخلیفه المهدی العباسی، فارسی الاصل و کان شاعراً مطبوعاً و ادیباً ...-صفحه۵۹۴

-روزنامه الانباء-۲۱/۱۲/۱۹۸۳-الاربعا-نساء شهیرات-زریاب فارسی الاصل-صفحه:۵
AL ANBA/DAILY JERUSALEM/DEC 21/1983-VOL:XV NO 4626-PAGE:5

-القاهره-مجله شماره ۶۸-۱۴۰۷/۱۹۸۷ ه ق-۱۶ جمادی الاخر-زریاب و هو موسیقی فارسی الاصل-صفحه : ۱۹

-مجله المورخ العربی-عدد ۲۲-ان زریاب من اصل فارسی/صفحه ۱۵۴

-المسلمون فی الاندلس-رینهرت دوزی-ترجمه د حسن حبشی-ناشر الهئیه المصر-الفصل الخامس-و کان فارسی الاصل-صفحه: ۷۶

-خریطه المعرفه-فیولیت مولر-کیف فقد العالم أفکار العصر الکلاسیکی و کیف استعادها:تاریخ سبع مدرن-۲۰۲۱-فی الشخصیه الفریده لزریاب، المغنی الفارسی الاسطوری...الذی ترک البلاط العباسی فی بغداد و وصل الی قرطبه سنه ۸۲۲-صفحه۱۰۵

-موجز دائره المعارف اسلامی-رقیه-سبا/۱۹۹۸-مرکز الشارقه-ار.ج.بریل-اشاره به ایرانی بودن زریاب (ان زریاب فی اصل فارسی)-صفحه ۵۲۵۳

-المکتبات فی الاندلس من القرن ۳ حتی نهایه عصر دول ملوک الطوائف۴۲۲ه-ریمه خضری/ئ. عبدالجلیل قریان-السنه الدراسیه۲۰۱۷-۲۰۱۸-جامعه قالمه-زریاب کان فارسی الاصل و ...-صفحه۴۸

-تاریخ الاندلس الاقتصادی و الاجتماعی-مرکز الکتاب الاکادیمی، أ.د.اسماعیل سامعی-۲۰۱۸-زریاب:........و یقال انه من اصل فارسی....صفحه۱۵۲

-دراسات فی تاریخ الحضاره الاسلامیه-حسان حلاق-دارلنهضه العربیه/بیروت-الطبعه الاولی ۱۹۸۹/الطبعه الثانیه ۱۹۹۹-زریاب فارسی الاصل-صفحه۲۹۷

-الامویون امراء الاندلس-سال الاول-۱۹۶۹-صفحه ۲۹۸-مغنی عراقی فارسی الاصل اسمه ابوالحسن علی بن نافع و یلقب بزریاب و... و هی کلمه فارسیه تطلق علی طائر اسود حسن التغرید///در نسخه سال ۱۹۷۵ مراجعه شود به صفحه ۱۴۰

-فی تاریخ المغرب و الاندلس-دکتر احمد مختار العبادی-ناشر دارالنهضه العربیه-و فی اوئل عهد مغنی عراقی فارسی الاصل اسمه ابوالحسن علی بن نافع و یلقب بزریاب .. و هی کلمه فارسیه تطلق علی طائر اسود حسن التغرید-صفحه ۳۱

-تاریخ المغرب الاسلامی فی العصر الوسیط(افریقیا و المغرب-الاندلس-صقلیه و اقریطش)-احمد بن عبدالوهاب النویری-۱۹۸۵-زریاب مغنی عراقی فارسی الاصل اسمه ابوالحسن علی بن نافع .....صفحه ۱۰۳(وی صاحب کتاب نهابه الارب می باشد)

-العلاقات الحضاریه بین الشرق و الغرب فی العصر الوسطی-الاندلس/صقلی/الشام/۱۴۰۶ ه-۱۹۶۸م-د.حسان حلاق-صفحه ۴۶

-الادب الاندلسی فی الموسوعات الادبیه فی العصر المملوکی-اشرف الاستاذ الدکتور سمیر الدروبی-زریاب:هو:مغنی عراقی فارسی الاصل و لقب زریاب-۲۰۰۸-صفحه ۴۹

-أدباء العرب فی الاندلس و عصر الاتبعاث- بطرس البستانی-هو ابو الحسن علی بن نافع مولی المهدی الخلیفه العباسی ، فارسی الاصل-صفحه ۱۹۵

-موسوعه مائده-محمد معارک الصبیحی-زریاب:هو ابوالحسن علی بن نافع اطلق علیه اسم زریاب ...أما زریاب: فهی کلمه فارسیه...-صفحه۲۱۳

-تاریخ الاندلس فی فتح الاسلام-ودیع ابو زیدون-۲۰۰۵-صفحه ۲۱۳

-العلاقات الثقافیه بین الاندلس و المشرق الاسلامی-صادق قاسم-غازی الشمری-۲۰۱۸-۲۰۱۷-و زریاب هذا فارسی الاصل-صفحه ۲۴۸

-دمشق منشورات وزاره الشقافه-جلد سوم-۱۹۹۰-صفحات ۱۲۲-۱۳۳

-التاریخ الاسلامی العالم-علی ابراهیم حسن-صفحه ۵۸۹

-الاندلس بحثا عن الهویه الغائبه-غاده عمر طوسون-رنا ابوالفضل-۲۰۱۴-و ۱۹۳۶-صفحه ۱۴۳۱

- امبراطوریه العرب-۲۰۱۴ -تالیف جون جلوب-ترجمه: عادل حامد محمد-۱۸۹۹-زریاب و هو عربی من اصل فارسی-صفحه۴۹۳

-العلاقات العلمیه بین الاندلس و مدینه فاس من بدایه القرن الثالث الهجری و حتی سقوط غرناطه-۲۰۰۹-ایمان بنت دخیل الله العصیمی/استاد وفا عبدالله-المملکه العربیه السعودیه-زریاب: هو ابو الحسن علی بن نافع، فارسی الاصل- صفحه۱۸۶

-مرجع یومی الاداب و العلوم و الفنون و المعلومات العامه-الموسوعه العربیه-رئیس التحریر: نجیب فرنجیه-الطبعه الاولی سنه ۱۹۵۵-الناشرون دار ریحانی للطباعه و النشر بیروت-زریاب مغن فارسی الاصل ظهر فی العراق فی العصر العباسی.رحل ال الاندلس.صفحه۳۸۰

- نظرات فی تاریخ الادب الاندلسی-مجموعه محاظرات-جامعه المصریه-کامل کیلانی-زریاب الموسیقی "کان لموسیقی فارسی فی بلاط عبدالرحمن الثانی الحظوه الاولی ذلک الموسیقی هو زریاب-الطبعه الاولی ۱۹۲۴-صفحه ۱۱۱(اشاره به اینکه زریاب یک نوازنده ایرانی در دربار عبدالرحمن ثانی بود که جایگاه اول را داشت)

-الجامع فی التاریخ الادب العربی(الادب القدیم)-حنا الفاخوری-دارالجیل بیروت لبنان-و کان زریاب خیر من مثل ذلک الانتقال.انه فارسی الاصل، -صفحه۹۸۸

-اهل الذمه فی الاسلام-تالیف دکتور ا.س.ترتون-الاستاذ بجامعه لندن-ترجمه و تعلیق الدکتور حسن حبشی-الطبعه الثالثه-۱۹۹۴-الهیئته المصریه العامه للکتاب-قد ناب عن الخلیفه فی استقبال زریاب المغنی الفارسی-صفحه۱۹۷

-الشعر الاندلسی فی عصر الطوائف-هنری بیریس-ترجمه دکتور الطاهر احمد مکی-استاذ الادب فی کلیه دار العلوم-جامعه القاهره-دارالمعارف-فی القرنین التاسع و العاشر المیلادیین، الدور الذی اضطلع به زریاب، المغنی الفارسی الشهیر، و بنتاه علیه و حمدونه، و تلمیذه متعه-صفحه۴۶

-شاعر اندلسی و جائزه عالمیه-عباس محمود العقاد-القاهره جمهوریه مصر العربیه-رقم ایداع ۲۰۱۳-و کان من اشهر هولاء زریاب الموسیقی الفارسی الذی أقصاه عن بلاط هارون الرشید...صفحه۶۷

-مجله التراث العربی-مجله فصیله محکمه تصدر عن اتحاد الکتاب العرب بدمشق-العدد ۱۳۷-ربیع ۱۴۳۵ ه-۲۰۱۵م-و بالمقارنه بین الوافدین الی اندلس من المشرق و القادمین من الاندلس الی مشرق یتبین لنا الفرق فی ذلکف و یذکر لنا المقری قدوم المغنی الفارسی المشهور زریاب و ابنتیه علیا و حمدونه و خادمیه....صفحه۸

-تاریخ الدوله الامویه فی الاندلس/ التاریخ السیاسی-الدکتور عبدالمجید نعنعی-دارالنهضه العربیه-بیروت لبنان-وصلت الموثرات الموسیقیه و الغنائیه العراقیه الی اسبانیا الاسلامیه مع المغنی و الملحن الفارسی الحسن بن نافع-الملقب بزریاب-صفحه۲۴۶

-القصه الشهریه: زریاب الفارسی مغنی بلاط قرطبه-محمد عیس موسی نقیب البحیره و عضو الاتحاد-و لمل کان زریاب الفارسی هو الشخصیه البارزه....-أولهم و اکثر هم نفوذا المغنی (زریاب)الفارسی-نشریه التعلیم الالزامی-السنه الاولی-۱۱جمادی الاولی ۱۳۵۲-العدد۱-..صفحه۲۸

-علماء العرب-شمس الهدی و الایمان-زریاب-۲-جزء۱ ۱-۱۶-تالیف محمد کمال-حلب سوریه-زریاب....هذه الکلمه التی تعنی بالفارسیه:الذهب الخالص أصبحت فیما بعد لقبا لذلک الموسیقی البارع....صفحه۳۱

نکته: در برخی کتب برای زریاب از واژه موالی به معنای نژاد غیر عرب استفاده شده است...

-روافدی فی کل بحر-د.حربی المصری-۲۰۱۸-زریاب: ابو الحسن علی بن نافع، من موالید الموصل، ...صفحه۱۰

-موسوعه مائده القاری-معلومات عامه-طرائف و نوادر-أغرب ما قرأت-اعداد محمد معارک الصبیحی-الطبعه الثالثه-طبعه منقحه و مزیده-۲۰۰۹-دارالکتاب الثقافی-زریاب:...أما زریاب: فهی کلمه فارسیه....-صفحه۲۱۳

-مائه أوائل من تراثنا-۱۹۸۰-suhayl zakkar, ahmad ghassan sabanu-زریاب......کما قیل إن زریاب کلمه فارسیه-صفحه۵۱۸

<u>مراجع کمکی عربی:</u>

-تفسیر الالفاظ الدخیله فی لغه العربیه-شیخ یوسف تومالبستانی-۱۹۳۲-مصر-زریاب فارسی مرکب من زر أی ذهب و اب أی ماء-صفحه ۳۲

-تاریخ الموسیقی العربیه-فارمر-ترجمه حسین نصار-۲۰۱۰-صفحه ۱۵۱-زریاب طائر اسود غرد و فی الفارسیه معناه ماء الذهب-+ مصادر موسیقی العربیه/هنر جورج فارمر/صفحه ۳۹ اشاره به کتاب فی أغانی زریاب

-مطبوعات مجمع اللغه العربیه بدمشق-شعر دعبل بن علی الخزاعی-۱۹۸۳-زریاب:فارسیه معناها:ماء الذهب-صفحه ۷۵

-تاریخ العرب(مُطَوّل)-الدکتور فیلیپ حتی-الجزء الثالث-۱۹۵۱-دارلکشاف للنشر-بقی المغنی و هو زریاب الفارسی البغدادی الاصل!-صفحه ۱۱۲

منابع و مراجع غربی که در آن به ایرانی بودن زریاب اشاره نموده اند:

-THE NEW ENCYCLOPEDIA BRITANNICA-1995-VOL. 32-ZIRYAB(PERSIAN MUSICIAN)-PAGE1160

–EL CORREO UNESCO-SEP.1986-8 PAGE:8 AVERROS Y MAIMONIDES FILOSOFOS DE LA ANDALUS/MUSICO PERSA ZIRYAB\POR MIGUEI CRUZ HERNANDEZ

-INTERNATIONAL DICTIONARY/ROBERT M. SALKIN PAGE:157/PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB

–THE PUPTURES OF LOVE/COPY RIGHT 1976-GEORGE JACKSON EDER/PAGE:36-THE PERSIAN ZIRYAB

-AMERICANS GODFATHER:THE FLORENTINE -VIRGINIA WALES JOHNSON-1894-THE PERSIAN ZIRYAB INTRODUCES TO SPAIN...-PAGE132

-HISTORY OF ARABIC LITERATURE-BA AFZAL UL ULAMA-2011-III SEMESTER-UNIVERSITY OF CALICUT-PAGE170

(و کان زریاب خیر من مثل ذلک الانتقال،انه فارسی الاصل)

-ISLAM AND ARAB-LANDAN ROM1899-A PERSIAN MUSICIAN ..ZIRYAB-PAGE:119

-THE SEED OF ABRAHAM-1910-PATAI RAPHAEL-NICKNAME ZIRYAB(PERSIAN , GOLD WATER)-PAGE:84

-INTERNATIONAL DICTIONARY HISTORIC PLACES/EDIT:TRUDY RING/VOL:3- -THE PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB- PAGE:156

-CLASSIC GUITAR/COMPANION -1982-SUE MC CREADIE/ZIRYAB PERSIAN LUTENIST AND SINGER/PAGE:153

-CALIPHS AND THEIR AS TRITTON/ZIRYAB , PERSIAN MUSICIAN/PAGE:171

-THE HISTORY OF CHESS/YURI AVERBAKH THE PERSIAN MUSICIAN

-HISPANO-ARABIC POETRY/JAMES T MONROE/1974 PAGE:7-ZIRYAB THE PERSIAN SINGER

-MEDICAL NEWS MAGAZINE-MAY 1965-PAGE:196-ZIRYAB THE PERSIAN SINGER

-DANCE CULTURES -LYNN E FRED/PAGE:239-THE PERSIAN NAMED MUSICIAN ZIRYAB

-TRADIONES NUEVOMEXI/MARY CAROLINE/PAGE:111/ZIRYAB A PERSIAN SINGER

-THE CALIPHS SPLENDOR/BENSON BOBRICK/PAGE:211-PERSIAN MUSICIAN NAMED ZIRYAB

-POLYMATH-PAGE:179-MAKING MUSIC-ZIRYAB WAS A PERSIAN MUSICIAN SINGER

-ANDALUCIA:A CULTUREAL/JHON GILL/PAGE:81-ZIRYAB PERSIAN MUSICIAN

-GREAT CITIES OF THE ANCIENT WORLD/BUCKLEY THEODORE ALIOS-1855(ISLAM AND ARAB)-PAGE:119

-A LITERARY HISTORY OF THE ARABS-REYNOLD A NICKOLSON-1907-NEW YORK-PAGE:418-ZIRYAB A PERSIAN MUSICIAN

-THE STORY OF MOORS IN SPAIN/PAGE:81-ZIRYAB -HE WAS A PERSIAN -1886-STANLEY LANE-POOLE

-AMERICAN GOD FATHER-THE INTRODUCES TO SPAIN-PAGE:132-VIRGINIA- WALES JOHNSON-1894-THE PERSIAN ZIRYAB

-HISTOIRE DRS MUSAL MANS DESPAGNE R.DOZY 1861-PAGE:89…

-SPATIN .JAMES A HARISON.BOSTON/PAGE:110

-ANDALUCIA: A PORTRAIT OF SOUTH SPAIN-NICHOLAS LUARD-1984-PERSIAN ZERYAB MUSICIAN-PAGE:151

-spain to england:a comparative study of arabic-1974-lasater alice e-the pre moorish period/persian musician ziryab-page16

-EL CID:THE MAKING OF A LEGEND-2007-TROW,M.J-PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE39

-HORIZON/SUMMER 1974-VOLUME XVL,NUMBER 3-PERSIAN CULTUR:THE FAMOUS ZIRYAB-PAGE83

-ANDALUSIAN LYRICAL POETRY AND OLD SPANISH LOVE SONGS:THE MUWASHSHAH AND ITS KHARJA-COMPTION,LIDA FISH-1940-/1976-PERSIAN TENOR , ZIRYAB-PAGE117

-FERRAN.THE INSIDE STORY OF EL BULLI-COLMAN ANREWS-THE PERSIAN POLYMATH ABU AL HASAN, KNOWN AS ZIRYAB-2010-PAGE 137

-INTERNATIONAL DICTIONARY OF HISTORIC PLACES-1995-CHICAGO,LONDON,FITZROY DEARBORN-PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE157

-JAJOUKA ROLLING STONE-DAVIS, STEPHEN,1947/-1993-PERSIAN MUSICIAN CALLED ZIRYAB-PAGE178

-MAKERS OF ARAB HISTORY-HITTI, PHILIP KHURI,1886-1978/1968-PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE220

-LISTVERSE.COMS ULTIMATE BOOK OF BIZARRE LISTS-JAMIE FRATER-2010-THE PERSIAN MUSICIAN AND FASHION DESIGNER ZIRYAB-PAGE231

-BANQUET OF LIES AMIN ZAOUI-2008-PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE 235

-AN ANATOMY OF BALLET.WITH 85 ILLUS.HALL,FERNAU-1953-PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE294)WORLD DANCE,HALL FERNAU(

-DICCIONARIO ENCICLOPEDICO-HISPANO-AMERICANO DE LITERATURA, CIENCIAS Y ARTES,TOMO VIGESIMO TERCERO,BARCELONA-ZIRYAB:HABIA NACIDO EN BAGHDAD; ERA PERSA DE ORIGEN, -1898-PAGE345

-COLLECTED STUDIES IN HONOUR OF AMERICO CASTRO S EIGHTIETH YEAR-1965-OXFORD-THE PERSIAN MUCIAN ZIRYAB-PAGE367

-THE NEW ENCYCLOPEDIA BRITANNICA BY ENCYCLOPEDIA BRITANNICA-1976-PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE414

-MEDIEVAL IBERIA: AN ENCYCLOPEDIA-2003-PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE654

-THE MUSICAL TIMES-NO 1,004-VOL 67-OCTOBER 1 1926-THE CELEBRATED PERSIAN SINGER , ZIRYAB-PAGE910-+THE MUSICAL TIMES-NO.995-JANUARY 1 1926

-ASPECTS OF JEWISH CULTURAE IN THE MIDDLE AGES: PAPERS OF THE EIGHTH ANNUAL CONFERENCE OF THE CENTER OF MEDIEVAL AND EARLY RENAISSANCES STUDIES, STATE UNIVERSITY OF NEW YORK AT BINGHAMTON 3-5 MAY 1974-/1979-FAMOUS PERSIAN SINGER ZIRYAB -PAGE54

-LITERATURE EAST AND WEST FALL 1963:VOL 7 ISS4-FALL 1963-PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE112
FLAMENCO FIRE AND GRACE -A NARADA COLLECTION-BROOK ZERN;
(بر روی جلد سی دی اشاره به زریاب ایرانی اشاره شده است.در این لوح فشرده آثاری از برترین گیتارنوازان قرار گرفته است)

-HISTORIA DE LOS MUSULMANES DE ESPANA-REINHART P. DOZY-TOMO II. CRISTIANOS Y RENEGADOS-ERA DE BAGHDAD; PERSA DE ORIGEN-PAGE60

-MEDIEVAL IBERIA AN ENCYCLOPEDIA-E.MICHAEL GERLI-2017-THE PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE654

-BODHI TREE BOOKSTORE-WINTER 1991-STRUNZ & FARAH ON CD & CASETTE/THE PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE22

-THE NEW ENCYCLOPEDIA BRITANNICA-1992-VOL. 28-THE PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE 31

-PACO DE LUCIA: A NEW TRADITION FOR THE FLAMENCO GUITAR-BY SEVILLA, PACO-THE PERSIAN ZIRYAB—1995-PAGE

-HISPANO-ARABIC POETRY:A STUDENT ANTHOLOGY-BY MONROE, JAMES T., COMP-1974-BY ZIRYAB THE PERSIAN SINGER-PAGE6

-THE INTERNATIONAL CYCLOPEDIA OF MUSIC AND MUSICIANS-1985-ZIRYAB: PERSIAN COMPOSER AND SINGER-PAGE2510

-THE STORY OF SPAIN BY WILLIAMS, MARK 1949-PUBLISH2000-ZIRYAB INTRODUCED PERSIAN MUSIC TO THE COURT-PAGE56

-HORIZON-BY CHARLES L . MEE, JR-1974-PERSIAN CULTURE: THE FAMOUS ZIRYAB"BLACKBIRD"-PAGE83

-HORIZON V. 9 NO.3-1967-VOL. 9-THE GRATE PERSIAN GUITAR WHICH ZIRYAB-PAGE88

-TRADICIONES NUEVOMEXICANAS: HISPANO ARTS AND CULTURE OF NEW MEXICO-BY MONTARIO MARY CAROLINE-2001-ZIRYAB A PERSIAN SINGER-PAGE110

-LITERATURE EAST AND WEST FALL 1963: VOL 7 ISS 4-FALL 1963-PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE 112

-ARAB SOCIAL LIFE IN THE MIDDLE AGES:AN ILLUSTRATED STUDY-BY GUTHRIE, SHIRLEY-1995-THE GREAT PERSIAN COURT MUSICIAN ZIRYAB-PAGE126

-A HISTORY OF MEDIEVAL SPAIN-BY O CALLAGHAN, JOSEPH F-1983-THE MUSICIAN ZIRYAB A PERSIAN -PAGE 158

-THE ULTIMATE BOOK OF BIZARRE LISTS BY FRATER, JAMIE-2013-TOOTHPASTE/THE PERSIAN MUSICIAN AND FASHION DESIGNER ZIRYAB-PAGE231

-THE EGOIST VOL. 1 NO. 15-BY HARRIET SHAW WEAVER, EDITOR-AUGUST 1 1914-ZIRYAB A PERSIAN SINGER-PAGE292

-THE STORY OF INSTRUCTION THE CHURCH, THE RENAISSANCES AND THE REFORMATIONS-1938-HE WAS THE PERSIAN ZIRYAB-PAGE2941

-THE HISTORICAL ATLAS OF KNIGHTS & CASTLES BY BARNES, IAN, 1946-2014, AUTHOR-2010-PERSIAN SCHOLAR AND MUSICIAN, ZIRYAB-PAGE303

-MY FIFTY FRETTING YEARS-BY MAIRANTS, LVOR 1908-1998/1980-THE PERSIAN MINSTREL ZIRYAB-PAGE330

-THE EMPIRE OF ARABS BY GLUBB, JOHN BAGOT, SIR, 1897-1986/1965-ZIRYAB, AN ARAB OF PERSIAN EXTRACTION -PAGE340

-PSYCHORAAG BY SAADI, SUHAYL-2004-ZIRYAH A NINTH-CENTURY PERSIAN MUSICIAN AND MUSICOLOGIST-PAGE430

-DORLING KINDERSLEY LONDON-DK BOOK-2016-ZIRYAB(C.789-857, PERSIAN)!-PAGE453

-MUSIC AND ROMANCE-1930-A PERSIAN NAMED ZIRYAB-PAGE484

-GROVE DICTIONARY OF MUSIC AND MUSICIAN-THIRD EDITION-EDIT BY H.C.COLLES, M.A.-VOL. V-NEW YORK 1938(PUBLICATION 1939-1-1)-ZIRYAB PERSIAN SINGER AND COMPOSER-PAGE787

-THE MUSICAL TIMES AND SINGING-CLASS CIRCULAR-1926-OCTOBER 1 1926-PAGE910

-VOICE OF ISLAM-VOL. VL.NO.1,MARCH 25, 1980-ABDUL GHAFOR-A PERSIAN SINGER CALLED ZIRYAB ARRIVED AT ABDURRAHMAN II-PAGE17

-A QUEEN OF QUEENS THE MAKING OF SPAIN...1906-THE PERSIAN POET ZIRYAB-PAGE16

-CLASSICAL GUITAR COMPANION-EDITED BY SUE MCCREADIE-1982-ZIRYAB PERSIAN LUTENIST AND SINGER-PAGE101

-THE ETUDE MUSIC MAGAZINE-OCTOBER 1936-DO YOU KNOW, IS THE SINGING OF ZIRYAB, A PERSIAN FROM BAGHDAD.P-PAGE661

-THE MUSICAL TIMES-NO. 919-VOL. 60.-SEPTEMBER 1, 1919-THE NEW DIRECTION IN SPANISH MUSIC BY LEIGH HENRY....ZIRYAB A PERSIAN SINGER-PAGE465

-THE EGOIST-NO. 1-VOL. 1-THURSDAY, JANUARY 1ST, 1914-ZIRYAB A PERSIAN SINGER-PAGE292

-CULTURAL SYMBIOSIS IN AL-ANDALUS A METAPHOR FOR PEACE-SANAA OSSEIRAN-UNESCO-BEIRYT LEBANON-2004-This point is exemplified by the case of the famous musician Ziryab,originally from Baghdad,and apparently of Persian origin-PAGE103

-THE MOORS IN SPAIN BY STANLEY LANE-POOLE, B.A.-1907-ZIRYAB...HE WAS A PERSIAN , -PAGE81

-LIBRARY OF CONGRESS INFORMATION BULLETIN-1996-ZIRYAB , WHOSE PERSIAN NICKNAME MEANS...-PAGE324

-INTERNATIONAL DICTIONARY OF HISTORIC PLACES-TRUDY RING, ROBERT M. SALKIN.SHARON LA BODA--1995-ZIRYAB(PERSIAN MUSICIAN)-PAGE814

-LA CORONICA-1988-VOL. 17-18-THE PERSIAN SINGER ZIRYAB , WHO ARRIVED IN ANDALUS-PAGE30

-THE WORLD OF MUSIC-1978-VOLUME 20-21-WITH THE ARRIVAL OF ZIRYAB , A FREED PERSIAN SLAVE, -PAGE33

-PERSIAN AND TURKISH LOAN-WORDS IN MALAY-MUHAMMAD ABDUL JABBER BEG-1982-ZIRYAB MAN OF PERSIAN ORIGIN-PAGE80

-THE MOORS IN SPAIN-STALEY LANE-POOLE-1886-HE WAS A PERSIAN ZIRYAB-PAGE81

-THE ART AND TIMES OF THE GUITAR-FREDERIC V. GRUNFELD-1974-OF THE PERSIAN MINSTREL ZIRYAB-PAGE55

-FALCON OF SPAIN:A STUDY OF EIGHT CENTURY-THOMAS BALLANTINE IRVING-1962-AND ZIRYAB, A PERSIAN SINGER WHO HAD-PAGE189

-CULTURAL CENTRES OF ISLAM-AMIR HASAN SIDDIQI-1970-ARRIVED FROM PERSIA AND BYZANTIUM: ZIRYAB..-PAGE79

-ISLAM REVOLUTION-1980-VOLUME 2-RECALLED ZIRYAB S ELEGANCE, THE PERSIAN SINGER-..

THE MINARET-VOL. 21-BY A PERSIAN SINGER CALL ZIRYAB-PAGE19

-THE COURIER-VOL 39-UNESCO-1986-GREAT PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB-PAGE8

-ISLAM AND MODERN AGE-VOL. 30-1999-PLAYED TO THE SPANISH GUITAR THAT THE PERSIAN SINGER ZIRYAB-PAGE109

-THE ARABS YESTERDAY AND TODY-1968-CHIH-PING CHEN-THIS INNOVATOR WAS A PERSIAN MUSICIAN, ZIRYAB BY NAME..-PAGE185

-WHITE WALL OF SPAIN: THE MYSTERIES OF ANDALUS-ALLEN JOSEPHS-1983-A PERSIAN POET-MUSICIAN NAMED ZIRYAB, WHO LIVED IN CORDOBA-PAGE84

-THE BOUNDLESS SEA-A HUMAN HISTORY OF THE OCEANS-BY DAVID ABULAFIA-2019-ZIRYAB BROUGHT THE PERSIAN FASHIONS ...PAGE170

-EGGS IN COOKERY-PROCEEDING OF THE OXFORD 2006-EDITED BY RICHARD HOSKING2007-ZIRYAB WAS A NINTH-CENTURY PERSIAN CONNOISSEUR...PAGE183

-KINGDOMS OF FAITH-2018-BRIAN A. CATLOS-A NEW HISTORY OF ISLAMIC SPAIN-ZIRYAB POPULARIZED ISLAMO-PERSIAN STYLES OF DREES, HAIR, AND MANNERS ...PAGE96

-MD:MEDICAL NEWSMAGAZINE-VOL. 9-1965-ZIRYAB , THE PERSIAN SINGER-PAGE196

-THE MYTH OF THE ANDALUSIAN PARADISE:MUSLIMS, CHRISTIANS ,DARIO FERNANDEZ-MORERA-2023-THE MUSIC OF ZIRYAB A NINTH-CENTURY PERSIAN VIRTUOSO SINGER..

-THE JOURNAL OF MUSLIM WORLD LEAGUE-VOL. 7-MUSLIM WORLD LEAGUE-1979-A PERSIAN SINGER ZIRYAB ARRIVED AT ABDURRAHMAN II-PAGE43

-PROCEEDINGS -VOL. 2-6-GIORGIO LEVI DELLA VIDA BIENNIAL CONFERENCE-1971-BY ZIRYAB , THE FAMOUS PERSIAN SINGER-PAGE126

-THE PRINCETON ENCYCLOPEDIA OF POETRY AND POETICS-FOURTH EDITION-BY RONALD GREENE-2012-KNOWN AS ZIRYAB AT 9THC. CE IRANIAN POLYMATH WHO-PAGE27

-THE TRANSFORMATION OF BLACK MUSIC-SAMUEL A. FLOYD JR. WITH MELANIE L. ZECK-2017-OXFORD-ZIRYAB THE BLA.CKBIRD......................PRACTICES FROM PERSIA....PAGE49

-TRADICIONES NUEVOMEXICANS-HISPANO ARTS-MARY MONTANO-2001-ZIRYAB A PERSIAN SINGER WHO FLED TO SPAIN-PAGE 111

-ALGER-LUN REPUBLICATION-14-15 JAN. 1951-LA RADIO-CHAINE ARABE:Un pionnier de la civilisation hispanique Ziryab, le « Pétrone Persan-PAGE3

-LA POESIE ANDALOUSE EN ARABE CLASSIQUE AU XR SIECLE-HENRI PERES-PARIS 1953-OUBLIER LE FAMEUX CHANTEUR PERSAN ZIRYAB,...PAGE41
(در این نگاه اجمالی به تاثیر مشرق زمین بر اسپانیا در قرن نهم و دهم، نمی توان زریاب خواننده معروف ایرانی، دخترش علیا و حمدونه، غلامانش گزلان و حنیده و شاگردش متعه را فراموش کرد...)

-POMPEI LES CATACOMBES L ALHAMBRA-G.-B. DE LAGREZE-PARIS-1889-Ziryâb est un des poëtes qui ont laissé le plus de renommée. Il avait le talent de faire des vers, de les bien chanter et de s'accompagner de la musique. Il était persan d'origine. -PAGE426
(زریاب یکی از مشهورترین شاعران است.او این استعداد را داشت که شعر بخواند، آن ها را خوب بخواند و خود را با موسیقی همراه کند.او ایرانی الاصل بود...)

-LA MUSIQUE ESPAGNOLE(2 ED. MISE A JOUR)/CHRISTIANE LE BORDAYS-LE PERSAN ZIRYAB-PAGE8
(در سال ۸۲۲ قرطبه که قبلا از شهرت هنری معتبری برخوردار بود پذیرای موسیقیدانی بود که به خاطر مواهب و دانشش مشهور بود، زریاب ایرانی، برده آزاد شده...)

THE GARLAND ENCYCLOPEDIA OF WORLD MUSIC-1998-PAGE535



گردآورنده:

جلیل سلمان: متولد سال ۱۳۵۴، شهر داراب، استان فارس، کارمند شرکت سیمان داراب

تاکنون یکصد مقاله از اینجانب در نشریات محلی شهرستان داراب من جمله؛ افسانه داراب، همگام داراب، منشور داراب، عصر مردم داراب، نیم نگاه داراب، داراب امروز، پیشگامان داراب، ماهنامه شهرآزاد، نیک اندیشان داراب ...منتشر شده است. همچنین بطور مستمر از سال ۱۳۸۹ تاکنون با سایت های داراب انلاین، منشور داراب، همگام داراب، دارابشناسی، داراب نامه، تقویم داراب ،داراب نا، عصر داراب، داراب نوین، و ... همکاری داشته ام. پیشگفتار کتاب ساسانیان هنرمند و ترجمه سفرنامه های ویلیام اوزلی(بخش داراب)، سفرنامه کیت ادوارد ابوث/ابوت(بخش داراب)، سرنامه جی آر پریس(بخش داراب)، هنری وگان(بخش فورگ)- که دو سفرنامه ابتدایی در کتاب داراب در سفرنامه ها، خاطرات و کتب جغرافیایی انتشار یافته و سفرنامه پریس در روزنامه عصر مردم داراب(بهمن ماه ۱۳۹۷) -منتشر شده است، بخشی از فعالیت های اینجانب می باشد



PERSIAN MUSICIAN ZIRYAB

زریاب: هو ابو الحسن علی بن نافع، فارسی الاصل

می گویند اگر خوش شانس باشید جایی را کشف خواهید کرد که از آنجا می توانید تمام دنیا را در آن واحد ببینید .اگر چنین مکانی وجود دارد، کجا بهتر از گرمای شدید و نور خیره کننده جنوب اسپانیا است که آن را جستجو کنید .در میان درختان زیتون خشک شده و دیوارهای سفیدکاری شده، در صداهای درهم شکسته و سکوت های وهم انگیز موسیقی فلامنکو، نه تنها ممکن است تمام دنیا را ببینید، بلکه آن را نیز بشنوید .فنیقی ها به عنوان فاتحان به اینجا آمدند، مانند رومی ها، سلت ها و وندال ها که نام آندلس را بر آن نهادند. همه سلاح ها، قوانین و زبان ها، موسیقی و رقص خود را آورده اند.این مهاجمان، که شیفته دیدگاه اندلسی ها درباره زندگی بودند، یکی پس از دیگری در فرشینه های جنوب اسپانیا بافته شدند. در سراسر تنگه جبل الطارق از آفریقا، مورها آمدند، هفت قرن ماندند و صداهای عجیب و جدید خود را به ارمغان آوردند .از مناطق دور دست شمال هند، کولی ها آمدند و از آزار و اذیت شدید جان سالم به در بردند و سبک موسیقایی غم انگیزی به وجود آوردند که آن را کانته جوندو یا آواز عمیق نامیدند.بعدها، هنگامی که گالیون های اسپانیایی به سمت غرب حرکت کردند، ملوانان با گنجینه ای جدید بازگشتند - صداهای حاره ای ملایم دریای کارائیب، که به سرعت در زبان عامیانه گنجانده شد.امروز اگر با دقت گوش کنید، تمام این داستان شگفت انگیز را با صدای فلامنکو خواهید شنید. هیچ کس نمی تواند همه رشته ها را باز کند .این ریتم محرک و ضربان دار که خیلی راحت می توان آن را حس کرد، و خیلی سخت می توان آن را تحلیل کرد-آیا این آخرین بقایای یک رقص باستانی از هند است؟ آن ملودی مودال آزاردهنده اخروی و آزار دهنده، ممکن است یک سرود گمشده پیش از تفتیش عقاید یهودی باشد؟ و این گیتار نوازی خیره‌کننده را می‌توان در زیریاب، نوازنده‌ی افسانه‌ای درباری ایرانی که هنرش اسپانیای عربی را اغوا و برق انداخت، ردیابی کرد؟ فقط می دانیم که فلامنکو پس از جذب صداهای باشکوه پنج قاره، دستش را برای فتح جهان دراز کرده است.

Brook Zern

تقدیم به آنان که عاشقانه ابرهای سیاه را از رخ زیبای ماه کنار می زنند.